

## بررسی انسجام درونی محله‌های شهری در شهرهای اسلامی و تقابل آن با پروژه‌های نوسازی شهری،

### نمونه محله عامل شهر مشهد

مصطفی امیرفخریان (دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

**amirfakhriyan@yahoo.com**

محمد رحیم رهنما (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسؤل)

**rahnama@ferdowsi.um.ac.ir**

احمد پوراحمد (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران، تهران، ایران)

**dr.pourahmad@gmail.com**

محمد اجزاء شکوهی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۲۵

### چکیده

فضا در شهر اسلامی، مجموعه‌ای درهم‌تنیده از سه ساحت کالبدی، ذهنی و معنوی است که با اتکال به ساحت‌های وجودی انسان شکل می‌یابد. در واقع، انسجام درونی فضا، حاصل هم‌گامی ساحت‌های فوق با یکدیگر است. ارتباط متقابل فضای ذهنی ساکنان و فضای کالبدی که در درجه اول متأثر از تعالیم و دستورات آسمانی است، شکوفایی فضای معنوی و ارتباط با عالم معنا را به همراه دارد. این رویه، اصل حاکم بر خلق فضا، در شهر اسلامی است. این مطالعه به شکل ویژه به بررسی انسجام درونی محله‌ها در قالب ارتباط فضای ذهنی و تغییرات فضای کالبدی در محله عامل شهر مشهد می‌پردازد که تغییرات گسترده کالبدی در اثر اجرای پروژه مجد که با هدف نوسازی بافت محله انجام شده است، از ویژگی‌های آن به شمار می‌آید. برای این منظور، ضمن تدوین چارچوبی نظری جهت بررسی انسجام درونی فضا در شهر اسلامی و ضمن تکمیل ۱۴۴ پرسش‌نامه از خانوارهای ساکن در محله در قالب ۲۴ متغیر و استفاده از آزمون‌های آماری ویل کاکسون و رگرسیون ترتیبی، فضای ذهنی ساکنان محله در قبل و بعد از اجرای پروژه سنجش شد. نتایج این بررسی نشان داد که با توجه به بهبود کالبد محله، به دلیل انطباق‌ناداشتن فضای ذهنی ساکنان، درباره ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی، امنیتی و بهداشت و سلامت محله با تحولات کالبدی صورت‌گرفته، میزان انسجام درونی و تمایل به ماندن در محله کاهش یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** شهر مشهد، فضا، شهر اسلامی، محله عامل.

## ۱. مقدمه

اگر برنامه‌ریزی را چنانچه لوفر بیان می‌کند، ابزاری برای تشخیص شیوه‌های دیدن و مفاهیم فضایی و تأثیر آن بر چگونگی نمایش شهر، در نظر بگیریم (Jacob a & Hellström, 2010). آنگاه برنامه‌ریزی شهری، قدمتی به درازای سکونتگاه‌های بشری خواهد داشت (برنامه‌اسکان بشر سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱: ۱۰۲) که در آن فرم و شکل محیط ساخته‌شده، بازتابی از رابطه انسان با طبیعت و رابطه با جهان به شمار می‌آید (بیکن، ۱۳۸۶: ۱۶). هیپوداموس شکل و صورت کالبدی شهر را بازتابی از نظم اجتماعی آن می‌دانست (مفورد، ۱۳۸۷: ۲۵۱). لینیچ شهر ایده‌ال را نتیجه هنری می‌داند که برای اهداف انسانی مناسب شده است (Kelly, 2008: 16) که در آن شکل‌یابی فضای شهر، توسط ساکنانی است که هویت، آرزو و نیازهای خود را از طریق استفاده از فضا بیان می‌کنند (Kuoppa, 2013: 89). به طور کلی می‌توان اولین و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در بیان این تفاوت‌ها را جهان‌بینی دانست (نقی زاده، ۱۳۸۹) که از نقش‌های اصلی آن، ابهام‌زدایی، تأمین زمینه معنایی، واژگان مفهومی مبتنی بر رضایت ساکنان است (Caneparo, 2008: 183). از این‌رو، فضای شهری را باید از طریق تحلیل مشخصه‌های محتوایی آن بازشناسایی شد (پارسی، ۱۳۸۱)؛ چراکه در این صورت درک شهر (Cristian, 2009: 173) و فهم حس معنی آن، توسط ساکنان می‌تواند افزایش یابد (Tveter, 2009: 35)، (Botwina, 2012) و در نهایت، میزان احساس رضایت آنها از محیط شهری را به همراه داشته باشد (Luque-Martinez, 2007). لذا، شهر پایدار خلاق تنها یک شهر فن‌گرا نیست؛ بلکه یک شهر ایدئولوژیک است (Eugen Ratiu, 2013: 6). در شهرهای اسلامی به دلیل استفاده از روش‌های سکولار و غیرالهی، تصویر نادرستی از آن ارایه خواهد داد

(YILDIZ, 2011: 200). طی سالیان اخیر، آشنایی- نداشتن برنامه‌ریزان با مبانی فکری اسلامی، به‌کارگیری سبک‌های خلق فضای غیراسلامی و سوءاستفاده از ابعاد معماری اسلامی، به عنوان مهم‌ترین چالش‌های فراروی فضاهای شهری در شهرهای اسلامی مورد نظر قرار گرفته است (Sidawi, 2013: 27). در بررسی شهر اسلامی و در سطوح گوناگون آن؛ شامل: ۱- ساختمان ۲- خوشه‌هایی از ساختمان‌ها در محله‌ها و ۳- سکونتگاه به عنوان یک روستا یا شهر (Hakim, 1998: 52)، مفهوم توحید در کنار جنبه‌های مادی و غیرمادی هر پدیده، مهم‌ترین ویژگی فضای شهری به شمار می‌آید که باعث شده است شهر، موجودیت و ماهیت واحدی را با تمام جنبه‌های آن به نمایش بگذارد (YILDIZ, 2011: 201). این توجه به ابعاد مادی و غیرمادی (روحانی و معنوی) فضا در شهر اسلامی، سبب جاری ساختن روح بی‌زمانی در شهر و در نهایت، موجب احیای فضای شهری برای تمام اعصار و قرون بوده است (محمودی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۸۳). با این حال، امروزه نظریه‌های وارداتی در شهرهای اسلامی، بیشترین تأثیر را بر رویکردهای شهرسازی دارند (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۲)، از این جمله، مفهوم فضای محله است. دو دیدگاه در خصوص ماهیت محله-های قابل طرح‌اند؛ اول: محله را به عنوان یک موجودیت فیزیکی و دوم محله به عنوان یک ساختار اجتماعی (قرائی، ۱۳۸۷: ۸۷). در مجموع، محور اصلی شکل‌گیری یک محله را موضوعاتی از اشتراکات تشکیل می‌دهد (آبادی، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۸). از منظر تاریخی در شهرهای ایران، محله به عنوان یکی از اجزای شهر ایرانی اسلامی و تشکیل‌دهنده ساختار شهر تلقی می‌شود و محدوده آن به واسطه وابستگی‌های قومی- مذهبی، حرفه‌ای و طبقاتی تعریف شدنی است (عبدالهی، ۱۳۸۹: ۹۸). در شهرنشینی ایرانی- اسلامی در مقایسه با شهرسازی معاصر غرب،

محله دارای ویژگی‌های متفاوتی است که به طور خلاصه به شرح زیر است (ثقه الاسلامی و امین زاده، ۱۳۹۲).

### جدول ۱- مقایسه مفهوم محله سنتی ایرانی با واحد همسایگی در شهرسازی معاصر غربی

ویژگی‌ها	محله در شهرنشینی ایران- اسلامی	محله در شهرسازی معاصر غرب
مفهوم	واحدی اجتماعی- فضایی	واحدی کالبدی- عملکردی
تعریف	قلمرویی اجتماعی برای سکونت	قلمرویی مسکونی دارای مفهومی اجتماعی
نقش و جایگاه	اصلی‌ترین واحد روابط اجتماعی در شهر	فراهم‌کننده خدمات و نیازهای ساکنان
الگوی شکل‌گیری	الگوی شکل‌گیری ارگانیک و متمرکز	الگوی شکل‌گیری متنوع، ازپیش تعیین‌شده و متمرکز
عنصر شاخص	فضای فرهنگی (مسجد) به عنوان عنصر شاخص	فضای آموزشی و یا سایر خدمات به عنوان عنصر شاخص
اصول شکل‌دهنده	مرکزیت متأثر از ارزش‌های فرهنگی	مرکزیت، قلمرو فضایی، سلسله مراتب دسترسی

با این حال، امروزه در مطالعه شهرهای اسلامی، از شاخص‌های فرهنگ غربی استفاده می‌شود (Falahat, 50: 2014؛ به عنوان مثال، بسیاری شهر اسلامی را به دلیل بافت پیچیده، نوعی آنارشسیسم فضایی بیان کرده‌اند (هیدن ابو، ۳۸۳: ۳۶۷).

در شهر اسلامی محله‌ها چیزی فراتر از محل سکونت هستند. محله هرگز نه به عنوان فضای اختصاصی و انحصاری برای انسان و نه به عنوان مخلوق انسان؛ بلکه به عنوان یک امانت معنوی برای انسان‌ها منظور خواهد شد (Omer, 2007: 70). از این رو، محله در شهر اسلامی یک مفهوم اجتماعی، با بار معنوی بسیار بالا است که فضای آن، ماحصل تعالیم و دستورات اسلامی است. بنا به گفته امیرالمومنین علیه‌السلام، بهترین شهرها (مکان‌ها) جایی است که پذیرای تو باشد (نهج البلاغه حکمت ۴۴۲، ۱۳۸۴). بنابراین، مهم‌ترین ویژگی‌های یک مکان اسلامی، پذیرا بودن آن است؛ یعنی تأمین‌کننده نیازهای جسمی و معنوی فرد باشد (نقی زاده، ۱۳۹۲).

#### ۱.۱. طرح مسأله

از نظر تعالیم دینی، انسجام محله، در نتیجه انطباق ساحت‌های فیزیکی، ذهنی و معنوی فضا با یکدیگر است. محله همچون یک مدرسه، مأمنی جهت رشد و بالندگی

حیات معنوی و مادی انسان به شمار می‌آید (Dobson, 135: 2008). با این حال، در شرایط کنونی مطالعات انجام‌شده در شهر مشهد، بیانگر گسترش ارزش‌های فرد-گرایانه در محله‌های آن است (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹) که آن را از یک پدیده اجتماعی با ارزش بالا به یک کالبد جمعیتی (نه با ارزش اجتماعی) مبدل می‌سازد. مداخلات نامناسب کالبدی و انطباق‌نداشتن پروژه‌های سرمایه‌گذاری با ماهیت فضای محله اسلامی، به‌ویژه در بافت‌های فرسوده؛ از جمله عوامل مهم در این زمینه به شمار می‌آید. محله عامل در این شهر، نمونه‌ای از این وضعیت است. این محله با قدمت نزدیک به ۶۰ سال، طی دهه اخیر به دلیل اجرای پروژه تجاری، اداری و مسکونی مجدد، دچار تغییر و تحولات گسترده‌ای شده است. این پروژه با هدف نوسازی بافت محله، در وسعتی به میزان ۸,۶ هکتار اجرا شده که علاوه بر گسست کالبدی محله، انسجام درونی آن را نیز به چالش کشیده است. براین اساس، در این مطالعه ضمن تدوین چارچوب کلی انسجام درونی محله‌ها در شهر اسلامی، به ارزیابی نقش پروژه مجد در تغییر نگرش ساکنان محله عامل، به محل سکونت و در نهایت تمایل به ماندگاری در محله خواهد پرداخت.

**فرضیه تحقیق:** به نظر می‌رسد تغییرات کالبدی به- وقوع پیوسته در محله عامل، فضای ذهنی حاکم بر محله را تغییر داده و کاهش انسجام درونی آن را به همراه داشته است.

#### ۲.۱. پیشینه تحقیق

موضوع شهر اسلامی و محله در مطالعات متعددی بررسی شده است. با این حال، تمایز اصلی این مطالعه با مطالعات انجام شده، تکیه بر ابعاد گوناگون فضای محله در شهر اسلامی و تدوین چارچوب نظری جهت بررسی آن است. در ادامه به برخی از مطالعات انجام شده در خصوص محله و شهر اسلامی اشاره می‌شود.

(آگراوال<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲) نشان می‌دهد با اینکه فرآیندهای برنامه‌ریزی در شهرهای آمریکای شمالی در مورد اقلیت‌های قومی محله‌ها، قابل پاسخگویی است؛ اما کشمکش‌هایی در خصوص آستی اهداف بهره‌گیری از کاربری زمین و ارائه خدمات جامعه وجود دارد. (شیندی<sup>۲</sup> ۲۰۱۲) نشان می‌دهد که محیط فیزیکی از نظر ویژگی‌ها، در یک مکان مقدس بهتر قابل درک است. یوسفی (۱۳۸۸) انسجام شبکه‌های همسایگی شهر مشهد را مورد مطالعه قرار داده است. رهنما (۱۳۸۷) در مطالعه خود نشان می‌دهد چگونه اجرای پروژه‌های کالبدی، ساختار محله را متحول کرده است. احمدی (۱۳۸۷) طراحی محله نمونه اسلامی را در مطالعه خود مورد بررسی قرار می‌دهد. دانش (۱۳۸۹) اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی را مطالعه و الگویی را جهت آن ارائه می‌کند. زرآبادی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای، الگویی را در خصوص برخورد با بافت فرسوده شهری ارائه می‌کند. اهری (۱۳۸۰) ضمن مطالعه مکتب شهرسازی اصفهان، بیان می‌کند که شهر در این مکتب به وحدت بیان دست می‌یابد.

#### ۲. روش‌شناسی تحقیق

##### ۲.۱. روش تحقیق

در این مطالعه روش تحقیق از نوع کمی- کیفی است. در این مطالعه ضمن تدوین چارچوب نظری در خصوص انسجام محله در شهر اسلامی، از طریق مراجعه به منابع گوناگون، اقدام به شناسایی متغیرهای تأثیرگذار در این حوزه شد. نظر به گستردگی موضوع (با توجه به ساحت- های گوناگون فضا در شهر اسلامی)، در ادامه با انتخاب محله عامل شهر مشهد به دلیل وقوع تغییرات گسترده کالبدی در بافت محله طی دهه اخیر، انسجام درونی آن از منظر تغییرات کالبدی و تأثیر آن بر فضای ذهنی ساکنان، در قبل و پس از تغییرات، ارزیابی شد. برای این منظور، از طریق تدوین پرسش‌نامه و تکمیل آن از خانوارهای ساکن در محله، اطلاعات مربوط به فضای ذهنی ساکنان محله، قبل و پس از تغییرات، جمع‌آوری شد. در ادامه با استفاده از نمودارهای «شدت وضعف» تغییرات رخ داده مشخص و با استفاده از آزمون ویل کاکسون، ضمن تحلیل شکاف تغییرات، سطح معناداری آنها، آزمون شد. در نهایت، استفاده از آزمون رگرسیون ترتیبی نشان داد که در نتیجه اتفاقات رخ داده در محله، چه مسائلی در تمایل به ماندن ساکنان در آن تأثیرگذار هستند.

##### ۲.۲. متغیرها و شاخص‌های تحقیق: در این مطالعه با

توجه به چارچوب نظری تحقیق و با توجه به کارکرد محله در شهر اسلامی (شامل: آرامش و امنیت، فراهم بودن امکانات و خدمات، بهداشت و سلامت محیط محله و شرایط و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی)، ۲۴ متغیر انتخاب شد. شکل زیر متغیرها و ارتباطات حاکم بر آنها را نشان می‌دهد.



شکل ۱- متغیرهای تحقیق و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر

### ۳.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش

جامعه آماری در این مطالعه شامل ساکنان محله عامل شهر مشهد است که در ۳ کیلومتری غرب حرم مطهر واقع شده است. نمونه آماری نیز با توجه به تعداد خانوار ساکن در محل و با استفاده از رابطه کوکران به میزان ۱۴۴ خانوار تعیین شد که از طریق نمونه‌گیری تصادفی، پرسش-نامه‌های طراحی شده، تکمیل شد.

### چارچوب نظری تحقیق: همان‌طور که بیان شد

همواره ارتباطی بین شیوه تفکر و جهان‌بینی با فرم فضای شهری قابل مشاهده است. در این خصوص، نظریه پردازان هندی با استفاده از اصولی به نام اسلیپاساستراس<sup>۱</sup> زمین را مقدس و قطعه‌بندی می‌کردند (لینچ، ۱۳۸۱: ۹۵). از دیدگاه مارکسیست‌ها، شهر، عرصه مبارزه طبقاتی (پاپلی یزدی، ۱۳۸۳: ۲۱) و یا در اندیشه یونانی، انطباق شهر با معیارهای انسانی است (مفورد، ۱۳۸۷: ۲۰۱) و (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۶). در قرون وسطی، طرح برخی شهرها به تبعیت از اعتقادات، شبیه صلیب است (لئوناردو بنه و لو، ۱۳۶۹: ۱۳۷). در آموزه‌های منشور آتن (۱۹۳۳)، تضمین آزادی فرد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۳۰۹) و تأکید بر نظم شهری از طریق تلاش‌های بزرگ مقیاس، ملاک طراحی

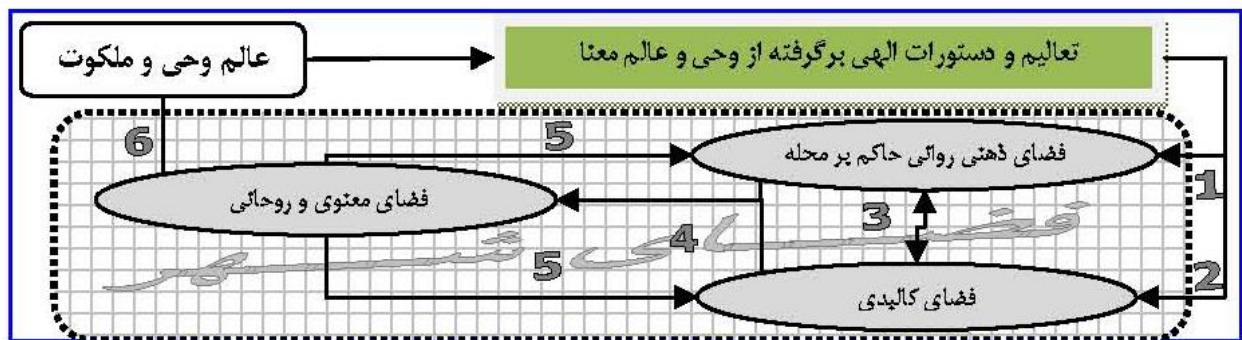
فضای شهر به شمار می‌آید (Hirt, 2002: 4). در تفکر پست‌مدرن، دنیا بستری متحول و متکثر (نوذری، ۱۳۷۹: ۱۹۷) که در آن شهر به عنوان آفرینش جمعی مورد نظر است، مورد توجه قرار می‌گیرد (Bestelieu & Doevendans, 2002: 234). بنابراین، از وحدتی که در مکان‌های منظم گذشته وجود دارد، کاملاً تهی (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۶) و معنا و هرچه که به آن وابسته است (نظیر هویت) بسیار ناپایدار می‌شود (Kellner, 2003: 234). در این زمینه، جمسون، از کاهش مقیاس چشم‌انداز و عمق محتوایی و معنایی پدیده‌ها سخن می‌گوید (Daylight, 2008) و رونالد بارتز (۱۹۶۷) خواندن فضای شهر را شبیه یک متن بیان می‌کند (Botwina & Botwina, 2012: 230).

در بینش اسلامی، حیات دارای دو ساحت ماده و معناست (جسم و روح/عالم طبیعت و عالم متافیزیک) (بهشتی، ۱۳۷۸: ۳۶۰). انسان در این بینش دارای سه ساحت حیات جسمی (عالم ماده)، حیات روانی (عالم ذهن) و حیات روحانی (عالم روح) است (نقی زاده، ۱۳۸۹: ۳۲). در این اندیشه برای فضای زیست بشر که در آن انسان به عنوان مهم‌ترین بازیگر اجتماعی به ایفای نقش می‌پردازد، چنین ساحت‌هایی را نیز می‌توان متصور

1. Slipasastras

علامه طباطبایی در پرتو این بینش، وحدت و همبستگی شگفت‌آوری را بین همه پدیده‌ها می‌توان دید (امیدی، ۱۳۸۸). بنابراین، تمامی شهرهای اسلامی از نوعی وحدت ترکیب برخوردارند (منتظرالقائم و امینی، ۱۳۸۸: ۳)؛ به عبارتی، در آن، تنها به ویژگی‌های کالبدی شهر توجه نمی‌شود (Saod, 2002)؛ بلکه بخش مهمی از طراحی فضا، با معنا و محتوا ارتباط پیدا می‌کند (Rashid, 2012: 928). در مجموع، می‌توان فضای شهر و انواع ساحت‌ها و ارتباط آنها با یکدیگر در شهر اسلامی را به صورت زیر نمایش داد.

بود. بر این اساس، فضای زیست انسانی؛ شامل: ۱- فضای کالبدی شامل محیط شکل گرفته و ساخته شده ۲- فضای ذهنی؛ شامل شیوه تفکر، منش و مشی ساکنان و ۳- فضای روحانی یا معنوی؛ شامل گرایش‌های متعالی و ارتباط‌دهنده ساکنان با عالم ملکوت است. از این‌رو، در ترجمان فضای شهر، همواره سیر از ظاهر پدیده‌ها به باطن آنها همراه است (ابراهیمی، ۱۳۸۹). چنین سیری، اصل حاکم بر خلق فضا در شهر اسلامی است (نقره کار، ۱۳۹۱: ۱۲۱). این ویژگی، نقطه تمایز فضا در مکتب اسلام با سایر مکاتب است (Ebne saleh, 1998: 541) و به قول



شکل ۲- انواع ساحت‌های فضای شهر اسلامی و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر

و عیار فضای معنوی را تعیین خواهد کرد. از سوی دیگر، فضای معنوی نیز در فضای ذهنی و کالبدی تأثیرگذار بوده است و به آن عمق معنایی می‌بخشد. فضای معنوی، روحیه تعالی و میل به عروج را در ساکنان تقویت و آن را به عالم ملکوت (عالم وحدت) متصل می‌کند. از سوی دیگر، آگاهی انسان نسبت به این فضا بسیار حایز اهمیت و عنصر اصیل در یک شهر اسلامی به شمار می‌آید (آیت-الله جوادی آملی در دیدار با برنامه‌ریزان همایش معماری اسلامی، ۱۳۹۱). در ادامه، ضمن بیان نمونه‌هایی از هر یک از ساحت‌های بیان‌شده به توضیح بیشتر آن پرداخته می‌شود.

در توضیح این بحث باید گفت، در یک شهر اسلامی تعالیم و دستورات، برگرفته از عالم وحی و ملکوت، شکل‌دهنده فضای ذهنی ساکنان و تنظیم‌کننده نوع روابط در بین آنها است. از سوی دیگر، در این تعالیم، اصول کلی طراحی و خلق فضای شهر نیز بیان شده است. این دو فضا جدا و منفک از یکدیگر نبوده و بر یکدیگر تأثیرگذاراند؛ به گونه‌ای که فضای ذهنی ساکنان می‌تواند کیفیت فضای کالبدی را ارتقا یا تنزل دهد. همچنین، فضای کالبدی نیز می‌تواند نقش مهمی در فضای ذهنی ساکنان داشته باشد و آنها را به یکدیگر نزدیک یا دور سازد. نوع تعامل و برآیند این دو ساحت، درجه خلوص

فضای ذهنی ساکنان محله در شهر اسلامی: نگرش اسلام در مورد همسایگی، دارای دو اصل است: ۱- روابط مستحکم همسایگی ۲- حفظ حقوق همسایگی (اخوت، ۱۳۸۸: ۳۲). این اصول، اساس یک محله در شهر اسلامی است. پس، محله از نظر بینش اسلامی در نگاه اول، یک واحد اجتماعی منسجم است. نخستین نکته در سخنان رسول خدا (ص)، توجه به حد همسایگی است که ۴۰ خانه ذکر می‌شود. در اهمیت همسایه، ایشان می‌فرمایند: جبرئیل همواره سفارش همسایگان را به من می‌کرد تا جایی که گمان کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد (مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۹) یا «هر کس همسایه‌اش از شرش در امان نیست، مؤمن نیست» (صالحی، ۱۳۸۵) و دستوراتی نظیر اینکه التزام ساکنان به پای‌بندی به آنها، فضای ذهنی مشترکی را بر محله حاکم می‌کنند؛ به عبارتی، این دستورات، فضای ذهنی مشترکی را برای ساکنان محله در ارتباط و تعامل با یکدیگر ایجاد می‌کند و نقش مهمی در نزدیکی و انسجام محله دارد.

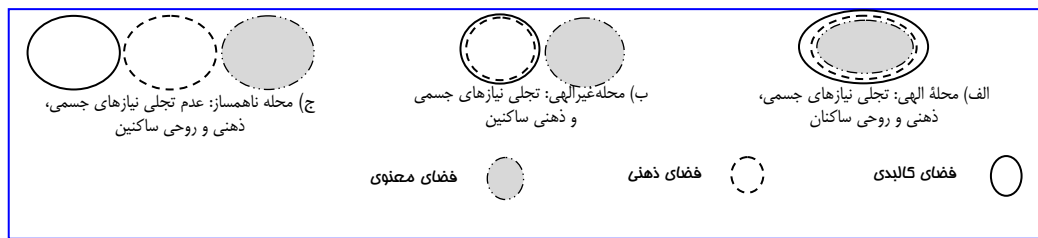
فضای کالبدی محله در شهر اسلامی: در بسیاری از منابع، به اصول برگرفته از شریعت، در خلق فضای اسلامی تأکید شده است؛ نظیر اصل درون‌گرایی، حفظ حریم و حرمت اشخاص، پرهیز از اسراف و غیره.

فضای معنوی محله در شهر اسلامی: در شهر اسلامی، هر پدیده دارای مفهوم است و این مفهوم مبین وجه ماورایی آن است (میثاقیان، ۱۳۹۲: ۳). فضای معنوی، بخشی از زندگی روحانی یک فرد را می‌سازد و بر رفتار اجتماعی او تأثیری گذار است (سادات حسینی، ۱۳۹۲: ۲۵)؛ به عنوان مثال، بازار دارای ساختاری محوری و عبوری است که با عبور از گذرهای محله، مکث در هشتی‌های

ورودی و رسیدن به حیاط از طریق راهرویی کم‌عرض، اشاراتی به طی مراحل حیات دنیوی، توقف در عالم برزخ، عبور از پل صراط و سکونت در بهشت برین است. همچنین، در این زمینه شولتز، باغ‌های اسلامی را واجد خصوصیات روح مکان کیهانی می‌داند (مدقالچی، ۱۳۹۳). از این رو، براساس فضاهای بیان‌شده، سه شیوه از ترکیب فضاهای فوق با یکدیگر را می‌توان مدنظر قرار داد:

الف) محله الهی: محله‌ای که در آن فضاهای کالبدی، ذهنی و معنوی ساکنان و محله کاملاً با یکدیگر انطباق دارد. بنابراین، محله تجلی نیازهای جسمی، ذهنی و روحی ساکنان است. ب) محله غیرالهی: با توجه به جایگاه روح در اندیشه غیرالهی<sup>۱</sup>، تجلی نیازهای جسمی و ذهنی ساکنان و محله و میزان انطباق این دو با یکدیگر، اوج مطلوبیت فضای شهری خواهد بود. ج) محله ناهمساز: محله‌ای که در آن ساحت‌ها و فضاهای بیان‌شده هیچ گونه انطباقی با یکدیگر ندارد (شکل ۳).

۱. در اندیشه‌های غیرالهی روح و روان به عنوان یک امر فکری و ذهنی در نظر گرفته می‌شود و ساحت ویژه‌ای برای آن منظور نمی‌شود.

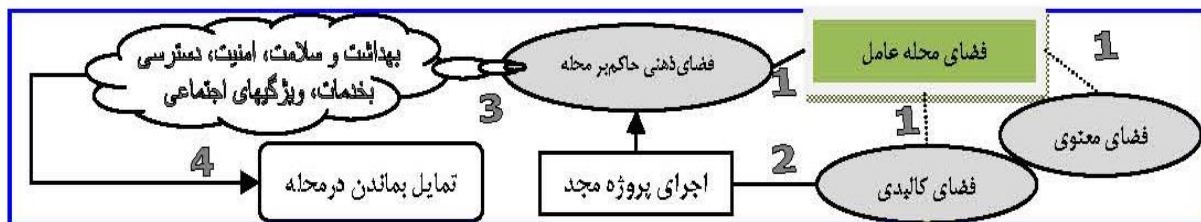


### شکل ۳- ساحت‌های فضای شهری و انواع ترکیب آنها با یکدیگر

مأخذ: یافته‌های تحقیق؛ شهر و معماری اسلامی عینیات و تجلیات، ۱۳۸۷: ۴۶

یک‌دیگر، تغییرات صورت‌گرفته در کالبد محله، در نتیجه اجرای پروژه مجد، فضای ذهنی ساکنان محله را متأثر و نگرش آنها را در خصوص ابعاد کارکردی با تغییر مواجه کرده است که این مسأله شدت انسجام درونی محله را در زمینه تمایل به ماندگاری، موجب خواهد شد (شکل ۴).

با توجه به چارچوب نظری، خط سیر مطالعه حاضر در محدوده مورد مطالعه (محله عامل)، به این صورت خواهد بود که براساس انواع ساحت‌های فضای شهری در شهر اسلامی، می‌توان فضای کلی محله عامل را در سه ساحت فضای معنوی، کالبدی و ذهنی طبقه‌بندی کرد. با توجه به ارتباط متقابل و اثرگذاری ساحت‌های یادشده با



### شکل ۴- خط سیر مطالعه حاضر، در زمینه بررسی انسجام درونی محله عامل

دهه ۴۰ به بعد مشکلات ناشی از رشد جمعیت، باعث شد که تهیه طرح جامع شهر برای یک دوره ۲۵ ساله در این دهه انجام شود. پس از وقوع انقلاب اسلامی، وقوع مهاجرت‌های روستا-شهری همراه با کمبود مسکن و زیرساخت‌ها، ضرورت تهیه طرح تفصیلی شهر مشهد در قالب طرح جامع در سال ۱۳۶۵ را برای یک دوره ۲۵ ساله از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۹۵ مطرح کرد (رهنما، ۱۳۷۵: ۲۹۳). در طرح جامع فعلی شهر مشهد که در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسیده است، پیش‌بینی شده که وسعت شهر تا سال ۱۳۹۵ به حدود ۲۴۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن به ۵,۴۰۰,۰۰۰ نفر برسد (غمامی، ۱۳۷۲: ۷۱).

### ۳. یافته‌های تحقیق

#### ۳.۱. معرفی اجمالی شهر مشهد

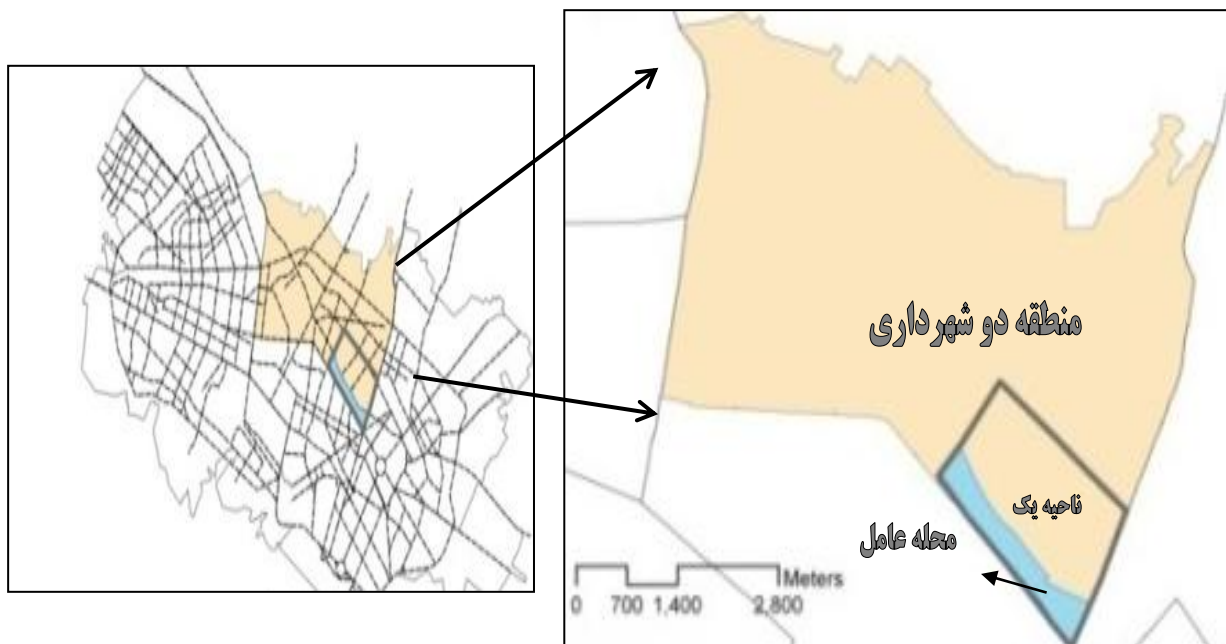
مشهد بزرگ‌ترین کلان‌شهر مذهبی کشور، در سال ۱۳۹۰ با ۲,۷ میلیون نفر جمعیت (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) به دلیل موقعیت ممتاز مذهبی-گردشگری، سالانه پذیرای حدود ۱۹,۸ میلیون نفر مسافر است (سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۸). در سال ۲۰۳ هجری قمری امام رضا علیه السلام در این منطقه به شهادت رسیدند و به نام مشهدالرضا موسوم شد (طرح جامع شهر مشهد، ۱۳۴۶: ۱۰). در زمان صفویه مشهد به صورت دومین زیارتگاه با-اهمیت شیعیان جهان درآمد (رهنما، ۱۳۷۶: ۱۴۸). از



## ۲.۳. معرفی محله عامل

محله عامل یکی از محله‌های منطقه ۲ شهرداری مشهد، با وسعت ۶۵۹۰ متر مربع و فاصله ۳ کیلومتری از حرم مطهر، در اثر توسعه فیزیکی شهر مشهد طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ شکل گرفته است (مهندسین مشاور

فرهاد، ۱۳۸۶: ۳۰). براساس آمار سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۷۵۵۸ نفر، تعداد خانوار ۴۹۲۱ و بعد خانوار آن نیز ۳,۶ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). شکل (۵) بیانگر موقعیت این محله در شهر مشهد و منطقه دو است.



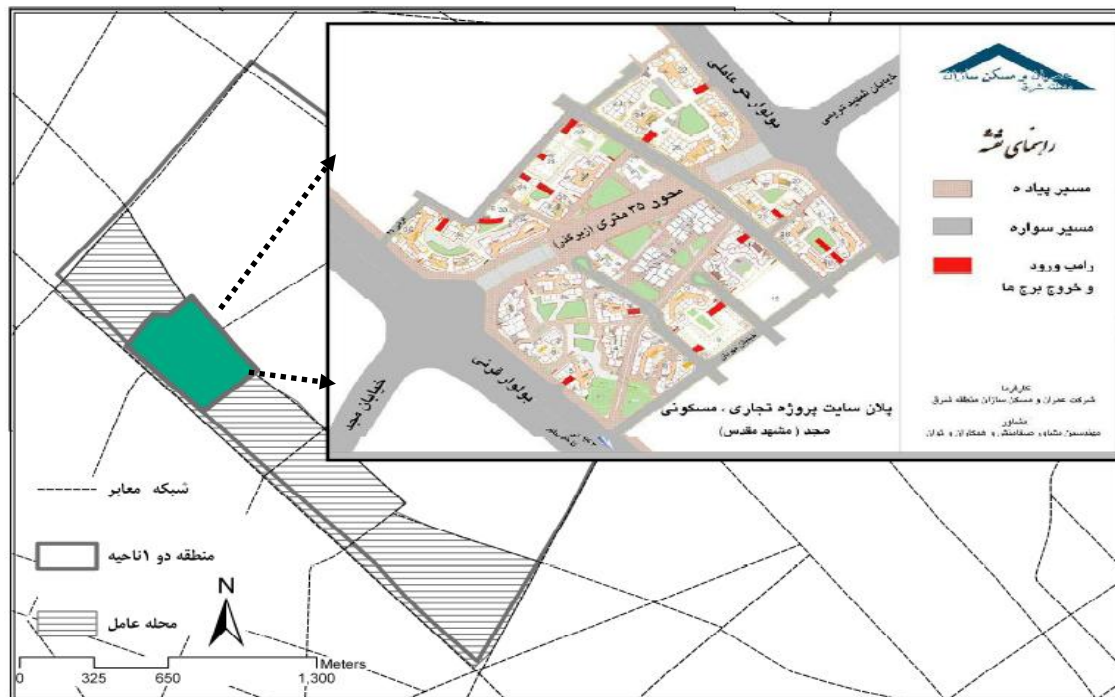
شکل ۵- موقعیت محله عامل در شهر مشهد

کاربری‌های تجاری (۳۷,۵٪ مساحت پروژه)، اداری (۲۰,۳٪ وسعت پروژه) و مسکونی (۴۱,۷٪ وسعت پروژه) است (شرکت عمران مسکن‌سازان منطقه شرق، ۱۳۹۳: ۲۶-۳۶). بخشی از این پروژه تقریباً در قسمت میانی محله عامل قرار دارد و این محله را به دو بخش شرقی- غربی تقسیم می‌کند که در واقع، بیانگر وسعت پروژه و تأثیر آن در کالبد محله است. شکل (۶) بیانگر موقعیت این پروژه در محله عامل و کاربری‌های آن است.

مهم‌ترین تغییر کالبدی محله طی ۶۰ سال حیات آن، اجرای پروژه مجد است. در ادامه، ضمن معرفی مختصر این پروژه به بررسی اثرات آن بر فضای ذهنی ساکنان نسبت به محله پرداخته می‌شود.

## ۳.۳. معرفی پروژه مجد

پروژه مجد با هدف نوسازی بافت کالبدی محله عامل در مقیاسی وسیع با مساحتی بالغ بر ۸,۶ هکتار و زیربنای بالغ بر ۴۰۰ هزار متر مربع؛ شامل ۳۶ برج ۷ تا ۲۷ طبقه است که در سال ۱۳۸۴ شروع شد. این پروژه؛ شامل



شکل ۶- موقعیت پروژه مجد در محلّه عامل و کاربری‌های پیشنهادی آن

مأخذ: شرکت عمران مسکن سازان منطقه شرق، ۱۳۹۳

### ۳. ۴. بررسی فضای ذهنی ساکنان محلّه عامل قبل و بعد

#### از اجرای پروژه مجد

همان‌طور که اشاره شد، پروژه مجد بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تغییر کالبدی محلّه عامل در طول حیات آن است که بی‌شک تأثیر مهمی در کالبد محلّه و محیط پیرامونی آن داشته است. در ادامه، نتایج حاصل از پرسش‌نامه در خصوص فضای ذهنی ساکنان محلّه، قبل و بعد از پروژه، بررسی می‌شود. برای این منظور، میانگین نظرات ساکنان در خصوص شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی، زیست- محیطی، امنیتی و دسترسی به خدمات در قبل و بعد از پروژه مورد سنجش قرار گرفت و در قالب نمودارهای شدت و ضعف (High- low) نمایش داده شد. نتایج این بررسی به تفکیک بخش‌های اشاره‌شده، به شرح زیر است:

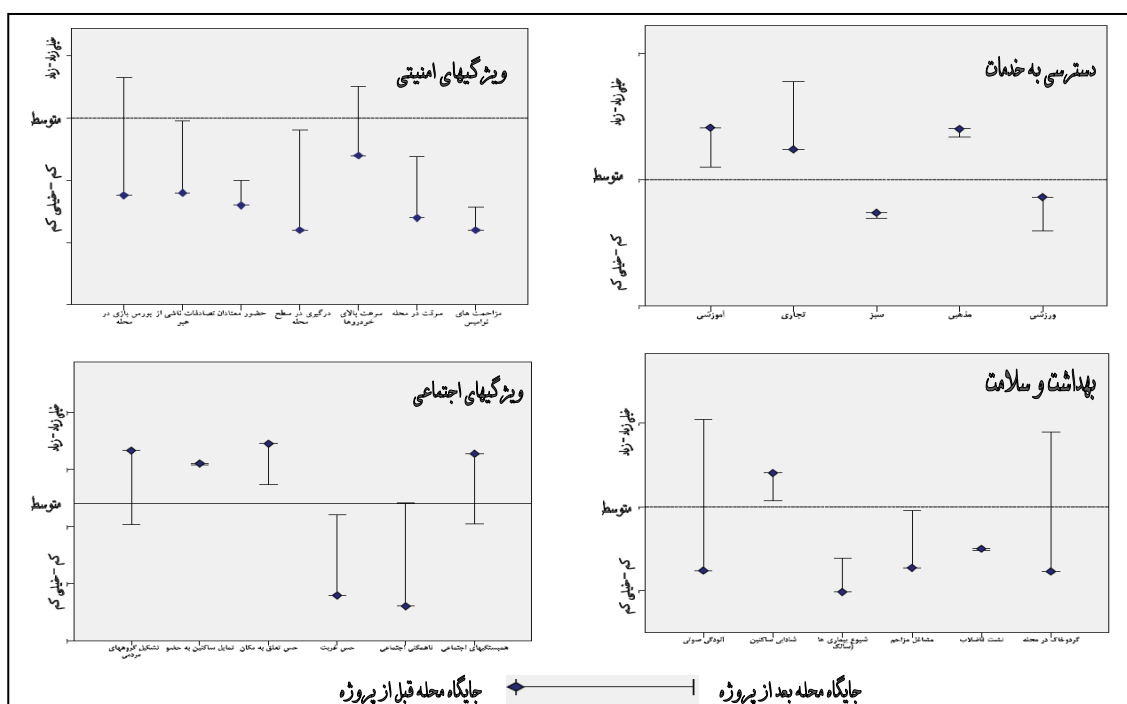
الف) دسترسی به خدمات: از نظر ساکنان، دسترسی به فضاهای آموزشی، مذهبی و ورزشی در قبل از احداث پروژه، نسبت به پس از آن بهتر بوده است؛ به عبارتی کیفیت دسترسی به این خدمات پس از احداث پروژه از نظر ساکنان نامناسب‌تر شده است.

ب) ویژگی‌های امنیتی: در خصوص شاخص‌های امنیتی، در کلیه شاخص‌های مورد بررسی از نظر ساکنان، محلّه وضعیت نامناسب‌تری را پس از احداث پروژه، نشان می‌دهد. رونق بورس بازی زمین (امنیت روانی)، سرقت، حضور معتادان، مزاحمت‌های نوامیس، درگیری و مشاجره، سرعت بالای خودروها و تصادفات ناشی از برخورد ساکنان با خودروها بعد از احداث پروژه رشد چشمگیری داشته است.

پروژه، این حس در میان ساکنان ضعیف و بسیار ضعیف بوده است.

(د) شاخص‌های محیطی و سلامت: بررسی شاخص‌های مورد بررسی در این حوزه، بیانگر تنزل کیفی محیط سکونت ساکنان، پس از احداث پروژه نسبت به قبل از آن در نظر ساکنان است. افزایش آلودگی صوتی و گردوغبار، افزایش تعداد مشاغل مزاحم (نظیر کارگاه‌های تولید کفش) و شیوع بیماری‌های ریوی و تنفسی در محل و در نهایت، کاهش شادابی ساکنان از جمله تفاوت‌های مهم محله پس از احداث پروژه در آن است. (شکل ۷).

(ج) وضعیت اجتماعی فرهنگی: بررسی شاخص‌های مورد بررسی در این بخش نشان می‌دهد که در نظر ساکنان، تشکیل گروه‌های مردمی در سطح محله؛ نظیر جلسات هفتگی، همبستگی اجتماعی بین اهالی و در نهایت، حس تعلق به مکان قبل از احداث پروژه، قوی‌تر و ملموس‌تر بوده است. در خصوص شاخص‌هایی نظیر ناهمگنی اجتماعی و حس غربت، نتایج بیانگر آن است که از نظر ساکنان پس از احداث پروژه، این حس تقویت شده است؛ به عبارتی ناهمگنی اجتماعی و حس غربت ساکنان، افزایش یافته است، در حالی که قبل از احداث



شکل ۷- نمایش تفاوت فضای ذهنی ساکنان محله عامل در زمینه‌های شرایط سکونتی م

حله در قبل و بعد از اجرای پروژه مجد

آزمون ویل کاکسون داده‌های به دست آمده از وضعیت محله در قبل و پس از اجرای پروژه، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود تغییرات صورت گرفته تا چه اندازه معنادار است: الف) در خصوص دسترسی به خدمات

۳. ۵. تعیین تغییرات (تحلیل شکاف) فضای ذهنی ساکنان محله عامل قبل و پس از احداث پروژه مجد در بخش قبل به بررسی تفاوت وضعیت محله از نظر ساکنان (فضای ذهنی ساکنان) در قبل و پس از احداث پروژه مجد پرداخته شد. در این بخش از مطالعه از طریق

پیرامونی نتایج بررسی و آزمون، بیانگر آن است که تفاوت در دسترسی به فضاهای آموزشی، تجاری و ورزشی در قبل و پس از احداث پروژه، از نظر ساکنان معنی‌دار است. این به آن معنی است که فضای ذهنی ساکنان نسبت به دسترسی به این گونه خدمات تغییر یافته است. همچنین، با توجه به میانگین رتبه به‌دست‌آمده در

خصوص این‌گونه خدمات باید گفت فضای ذهنی ساکنان محله در خصوص دسترسی به فضاهای آموزشی و ورزشی پس از احداث پروژه نامناسب‌تر و در خصوص فضاهای تجاری مناسب‌تر شده است؛ اما در خصوص دسترسی به فضاهای مذهبی و سبز، این تغییر در شرایط فعلی تأیید نمی‌شود (جدول ۲).

### جدول ۲- سطح معناداری تغییر فضای ذهنی ساکنان محله عامل نسبت به دسترسی به خدمات در قبل

#### و بعد از اجرای پروژه مجدد

دسترسی به خدمات	آموزشی	تجاری	فضای سبز	ورزشی	مذهبی
میانگین رتبه بعد از پروژه	۱۷,۸۲	۳۶,۹۲	۲۵,۰۴	۲۰,۹۳	۱۱,۵
میانگین رتبه قبل از پروژه	۲۷,۲۵	۳۴,۵۸	۳۰,۱۵	۲۰,۹۳	۱۴,۵
سطح معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۷۱	۰,۰۰۳	۰,۳۱۲

به میانگین رتبه‌های به‌دست‌آمده از شاخص‌های فوق، می‌توان نوع تغییر را افزایش در سرقت، تعداد معتادان، حضور غریبه‌ها، تصادف، درگیری و مشاجره، و در نهایت، بورس بازی زمین به شمار آورد؛ اما در خصوص میزان مزاحمت‌های نوامیس، چنین تفاوت و تغییری مشاهده نمی‌شود (جدول ۳).

ب) ویژگی‌های امنیتی محله: نتایج حاصل از بررسی نظرات ساکنین محله در قبل و پس از پروژه در خصوص امنیت محله نشان می‌دهد که فضای ذهنی ساکنین محله در خصوص تغییرات رخ داده برای متغیرهایی مانند سرقت، حضور معتادان، حضور غریبه‌ها، درگیری و مشاجره لفظی و بورس بازی زمین معنادار است. با توجه

### جدول ۳- سطح معناداری تغییر فضای ذهنی ساکنان محله عامل نسبت به ویژگی‌های امنیتی محله در قبل

#### و بعد از اجرای پروژه مجدد

امنیت	سرقت	حضور معتادان	مزاحمت‌های نوامیس	حضور غریبه‌ها	تصادف	درگیری و مشاجره	بورس بازی زمین
میانگین رتبه بعد از پروژه	۳۶,۱۷	۳۳	۲۶,۲۵	۴۲,۰۷	۳۰,۲۴	۳۴,۶۳	۳۷,۷۹
میانگین رتبه قبل از پروژه	۳۳,۳۸	۲۴,۸۵	۲۳,۶۳	۲۴,۸	۲۸,۲۱	۱۶	۲۴,۵
سطح معناداری	۰,۰۰	۰,۲۱	۰,۷۵	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰

با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده، می‌توان جهت این تغییر را به این شرح بیان کرد: کاهش شادابی و نشاط ساکنان محله و افزایش آلودگی صوتی، گردوغبار، مشاغل مزاحم و شیوع بیماری.

ج) شرایط سلامت و بهداشتی محله: در این خصوص نیز با توجه به سطح معنی‌داری شاخص‌های مورد بررسی، می‌توان تغییر فضای ذهنی ساکنان درباره شادابی و نشاط ساکنان، آلودگی صوتی، گردوغبار، وجود مشاغل مزاحم و شیوع بیماری‌های خاص را مشاهده کرد. بر این اساس،

## جدول ۴- سطح معناداری تغییر فضای ذهنی ساکنان محله عامل نسبت به بهداشت محله در

قبل و بعد از اجرای پروژه مجد

سلامت و بهداشت محیط	نشت فاضلاب	شادابی ساکنان	آلودگی صوتی	گرد و خاک	مشاغل مزاحم	شیوع بیماری
میانگین رتبه بعد از پروژه	۱۴,۵	۲۶,۸۲	۵۶,۵۸	۵۶,۸۹	۳۶,۷۹	۲۸,۲۲
میانگین رتبه قبل از پروژه	۱۵,۶۲	۳۶,۱۶	۱۳,۵	۲۰	۲۲,۶۴	۲۰,۰۹
سطح معناداری	۰,۰۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰

زمینه است. نوع تغییر فضای ذهنی ساکنان درباره

شاخص‌های فوق، از یک سو نشان‌دهنده افزایش ناهمگنی اجتماعی و حس غربت و از سوی دیگر، کاهش حس تعلق به مکان، کاهش همبستگی‌های اجتماعی و کاهش تقویت گروه‌های مردمی است (جدول ۵)

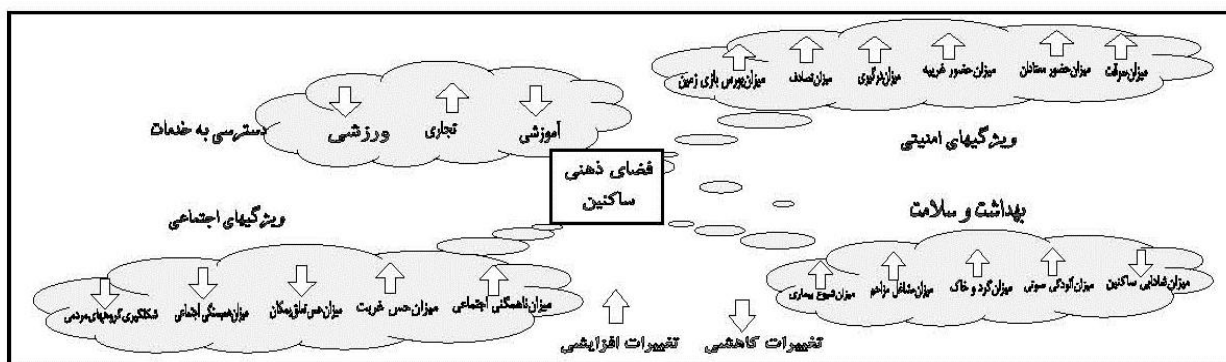
د) شرایط اجتماعی- فرهنگی محله: همان‌طور که در جدول زیر نیز مشخص است، تغییرات رخ داده در محله از نظر ساکنان درباره ناهمگنی اجتماعی، حس غربت در محله، حس تعلق به مکان، همبستگی اجتماعی و شکل‌گیری گروه‌های مردمی معنی‌دار و قابل تأیید است. که نشان‌دهنده تغییر فضای ذهنی ساکنان محله در این

## جدول ۵- سطح معناداری تغییر فضای ذهنی ساکنان محله عامل نسبت به ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی محله در قبل و بعد

از اجرای پروژه مجد

اجتماعی فرهنگی	تمایل ساکنان به حضور در محله	ناهمگنی اجتماعی	حس غربت	حس تعلق به مکان	همبستگی اجتماعی	شکل‌گیری گروه‌های مردمی
میانگین رتبه بعد از پروژه	۲۸,۸۹	۳۴,۹۸	۳۴,۳۳	۳۰,۲۵	۲۳,۷۱	۱۲,۵
میانگین رتبه قبل از پروژه	۳۰,۰۷	۱۸,۵	۲۲,۶	۳۴,۲۲	۳۷,۳	۲۹,۲۱
سطح معناداری	۰,۷۰۳	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰۲	۰,۰۰	۰,۰۰

ترسیم فضای کلی ذهنی ساکنان محله: با توجه به موارد مطرح‌شده، می‌توان فضای کلی محله (فضای ذهنی ساکنان محله) را به شکل زیر ترسیم کرد:



شکل ۸- تغییرات فضای ذهنی ساکنان محله عامل نسبت شرایط سکونتی محله

نتیجه این وضعیت، کاهش میزان تمایل ساکنان به ماندن در محله پس از احداث پروژه است، به گونه‌ای که قبل از احداث پروژه ۶۲٫۹٪ از ساکنان، تمایل زیاد به ماندن در محله داشته‌اند که پس از اجرای پروژه به ۴۵٫۵٪ رسیده است. نتایج به‌کارگیری از آزمون ویلکاکسون بیانگر تأیید این تفاوت است (جدول ۶)

جدول ۶- میزان تمایل به ماندن در محله قبل و بعد از اجرای پروژه و سطح معناداری آن

آزمون ویلکاکسون	زیاد			متوسط	کم				
	میانگین رتبه	مجموع	بسیار زیاد		مجموع	کم	بسیار کم		
۰٫۰۰۱	۳۴٫۴۸	۶۲٫۹	۸٫۹	۵۴	۲۵	۱۲٫۱	۱۱٫۳	۰٫۸	قبل از پروژه
	۲۴٫۳۸	۴۵٫۵	۸٫۱	۳۷٫۴	۲۸٫۵	۲۶	۲۱٫۱	۴٫۹	بعد از پروژه

ب) نکویی برازش: نکویی برازش بیانگر آن است که آیا داده‌های مشاهده‌شده با مدل برازش شده ناهم‌سازند یا خیر؟ از این رو، اگر سطح معنی‌داری این آماره بیش از ۰٫۰۵ باشد، بیانگر آن است که متغیرهای مستقل قادرند به‌خوبی تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. با توجه به مقادیر به‌دست‌آمده، می‌توان گفت متغیرهای مستقل به‌خوبی متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

ج) ضریب تعیین: در رگرسیون ترتیبی به منظور تعیین ضریب تعیین، از آزمون پزودو استفاده می‌شود. نتیجه این آزمون نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در این مطالعه به میزان ۸۳٫۷٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند (جدول ۷)

### ۳.۶. بررسی عوامل تأثیرگذار در تمایل به ماندن

ساکنان در محله پس از اجرای پروژه مجدد: ضرورت این بخش از مطالعه، شناسایی آن‌دسته عواملی است که در حال حاضر بر تمایل به ماندن در محله تأثیر می‌گذارد. برای این منظور، با استفاده از روش رگرسیون ترتیبی، به شناسایی عوامل مؤثر در تمایل به ماندن ساکنان پرداخته شد که نتایج آن به شرح زیر است:

الف) سنجش نسبت احتمال مدل: نتایج به‌دست‌آمده از جدول نسبت احتمال مناسب بودن مدل، نشان می‌دهد که مقدار کای اسکوئر در سطح کوچکتر از ۰٫۰۵ معنی‌دار است؛ به عبارتی متغیرهای مستقل به‌خوبی قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۷- سنجش نسبت احتمال مدل، نکویی برازش و ضریب تعیین حاصل تأثیر متغیرهای مستقل

در تمایل به ماندن در محله عامل

آزمون	Pseudo R-Square		Goodness-of-Fit		Model Fitting Information	
	Cox and Snell	Sig.	Sig.	Chi-Square	Sig.	Chi-Square
نتایج	۰٫۸۳۷	۱٫۰۰۰	۰٫۰۰۰	۸۶٫۲۴۰	۰٫۰۰۰	۲۸۵٫۰۲۳

ضریب ۱٫۸۴ در مقایسه با دو متغیر دیگر تأثیرگذاری بیشتری دارد.

ب) دسترسی به خدمات: در این خصوص نتایج تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نشان می‌دهد که در مجموع، شرایط دسترسی به خدمات، در حال حاضر به عنوان عامل تأثیرگذار در تمایل به ماندن ساکنان

### سطح معناداری متغیرهای مستقل

الف) ویژگی‌های امنیتی: در بین متغیرهای امنیتی مورد مطالعه میزان سرقت، میزان مزاحمت‌های نوامیس و میزان تصادفات ناشی از عبور و مرور خودروها بر تمایل ماندن ساکنان تأثیرگذار است که در این میان، میزان سرقت با

می‌توان به نقش معکوس آنها در میزان تمایل به سکونت در بین گروه‌های یادشده، پی برد.

(د) بهداشت و سلامت: بررسی متغیرهای مستقل تأثیرگذار در این حوزه، بیانگر تأثیرگذاری متغیرهای شادابی و نشاط ساکنان (در بین ساکنانی که میزان شادابی از آنها بسیار نامناسب)، میزان گردوخاک در محله (در بین ساکنانی که میزان گردوخاک از آنها بسیار زیاد تا کم) و مشاغل مزاحم (در بین ساکنانی که میزان مشاغل مزاحم از نظر آنها بسیار زیاد تا متوسط) بر میزان تمایل ماندگاری ساکنان دارد. نکته قابل ذکر در این دسته، تأثیرگذاری متغیر گردوخاک در تمایل به ماندگاری در محله بین تمامی ساکنان است (جدول ۸)

در محله، اثر چندانی ندارد. از این رو، با اینکه فضای ذهنی ساکنان نسبت به دسترسی به برخی خدمات تغییر یافته است؛ اما این تغییر در حال حاضر تأثیری در تمایل به ماندن آنها در محله ندارد.

(ج) ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی: بررسی متغیرهای مستقل تأثیرگذار در این بعد نشان می‌دهد که متغیرهای میزان ناهمگنی اجتماعی (در بین ساکنانی که میزان ناهمگنی از نظر آنها کم و متوسط)، میزان همبستگی‌های اجتماعی (در بین ساکنانی که میزان همبستگی از آنها بسیار کم) و میزان تشکیل گروه‌های مردمی (در بین ساکنانی که وضعیت آن نامناسب تا متوسط است) دارای تأثیرگذاری است که با توجه به ضرایب منفی این متغیرها

جدول ۸- متغیرهای تأثیرگذار بر تمایل به ماندگاری ساکنان در محله عامل

ابعاد کلی	متغیرهای مستقل	ضریب	Std. Error	Wald	df	Sig.	95% Confidence Interval	
							Upper Bound	Lower Bound
زیادگی	[میزان سرقت در محله = بسیار کم]	۱,۸۴۴	۰,۶۰۰	۹,۴۴۶	۱	۰,۰۰۲	۳,۰۱۹	۰,۶۶۸
	[میزان مزاحمت‌های نوامیس در محله = کم]	۱,۲۳۲	۰,۵۸۱	۴,۵۰۱	۱	۰,۰۳۴	۲,۳۷۱	۰,۰۹۴
	[میزان تصادفات ناشی از عبور و مرور خودروها = بسیار کم]	۱,۲۵۷	۰,۵۲۵	۵,۷۳۵	۱	۰,۰۱۷	۲,۲۸۶	۰,۲۲۸
اجتماعی فرهنگی	[میزان ناهمگنی اجتماعی در محله (گروه‌های مختلف) = نامناسب]	-۲,۱۳۹	۰,۸۴۳	۶,۴۳۴	۱	۰,۰۱۱	-۳,۷۹۲	-۰,۴۸۶
	[میزان ناهمگنی اجتماعی در محله (گروه‌های مختلف) = متوسط]	-۱,۸۶۳	۰,۸۲۲	۵,۱۳۵	۱	۰,۰۲۳	-۳,۴۷۵	-۰,۲۵۲
	[همبستگی‌های اجتماعی (دیدار چهره به چهره) = بسیار نامناسب]	-۳,۸۹۶	۱,۹۸۵	۳,۸۵۰	۱	۰,۰۵۰	-۷,۷۸۷	-۰,۰۰۵
	[تشکیل گروه‌های مردمی = نامناسب]	-۱,۶۳۹	۰,۸۰۹	۴,۱۰۲	۱	۰,۰۴۳	-۳,۲۲۶	-۰,۰۵۳
	[تشکیل گروه‌های مردمی = متوسط]	-۱,۷۷۰	۰,۷۵۳	۵,۵۳۴	۱	۰,۰۱۹	-۳,۲۴۵	-۰,۲۹۵
بهداشت و سلامت	[وضعیت شادابی ساکنان = بسیار نامناسب]	-۱,۶۸۱	۰,۷۸۱	۴,۶۳۱	۱	۰,۰۳۱	-۳,۲۱۳	-۰,۱۵۰
	[میزان گردوخاک در محله = بسیار زیاد]	-۳,۸۶۶	۱,۲۷۷	۹,۱۷۲	۱	۰,۰۰۲	-۶,۳۶۸	-۱,۳۶۴
	[میزان گردوخاک در محله = زیاد]	-۳,۷۱۱	۱,۲۷۸	۸,۴۲۹	۱	۰,۰۰۴	-۶,۲۱۷	-۱,۲۰۶
	[میزان گردوخاک در محله = متوسط]	-۴,۳۷۹	۱,۳۰۶	۱۱,۲۳۹	۱	۰,۰۰۱	-۶,۹۳۹	-۱,۸۱۹
	[میزان گردوخاک در محله = کم]	-۳,۶۰۳	۱,۳۲۹	۷,۳۵۳	۱	۰,۰۰۷	-۶,۲۰۷	-۰,۹۹۹
	[میزان مشاغل مزاحم = بسیار زیاد]	۲,۵۱۵	۰,۹۰۵	۷,۷۲۶	۱	۰,۰۰۵	۰,۷۴۱	۴,۲۸۸
	[میزان مشاغل مزاحم = متوسط]	۱,۶۵۵	۰,۸۲۱	۴,۰۵۹	۱	۰,۰۴۴	۰,۰۴۵	۳,۲۶۵

## ۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در شهر اسلامی، انسجام درونی فضا معلولی از همراهی و انطباق ساحت‌های کالبدی، ذهنی و معنوی آن با یکدیگر است. در نظر گرفتن ساحت‌های فضا و نحوه ارتباط و تعامل آنها با یکدیگر، امری است که چارچوب کلی طراحی و خلق فضا در شهر اسلامی را به شکلی منسجم فراهم می‌کند. در شرایط فعلی در طرح‌ها و اقدامات عملی در شهرهای اسلامی، به این موضوع کمتر توجه می‌شود که از جمله مهم‌ترین علل، ضعف مبانی نظری است. در جهان غرب، ارتباط کاملی بین مبانی فلسفی و مسائل مربوط به برنامه‌ریزی شهری، وجود دارد، به گونه‌ای که می‌توان رد پای مبانی فلسفی را در عمده نظریات و موضوعات برنامه‌ریزی شهری دید، در حالی که در شهرهای اسلامی با توجه به غنای مبانی فلسفی، چنین ارتباطی، رنگ واقعیت به خود نگرفته و در مقابل حلقه ارتباط مبانی برنامه‌ریزی شهری، عمدتاً با مبانی فلسفی غیربومی است. از جمله موضوعات در این خصوص، موضوع فضا و انسجام درونی آن است. در شهر اسلامی آنچه که زمینه‌ساز تعالی ساکنان است، اتصال و ارتباط با عالم معنا از طریق فضای معنوی و روحانی شهر است. از سوی دیگر، فضای معنوی در شهر، در صورتی شکوفا می‌شود که انطباق کاملی بین فضای ذهنی و کالبدی وجود داشته باشد. از این رو، بخش مهمی از شکل‌یابی فضا در شهر اسلامی، حاصل انطباق ساحت کالبدی و ذهنی است. در این راستا، این مطالعه به شکل ویژه به بررسی آن در محله عامل شهر مشهد پرداخت. محله عامل به دلیل بیش از نیم قرن سابقه و میانگین ماندگاری بیش از ۳۰ سال ساکنان در آن، یکی از محله‌های مهم شهر مشهد محسوب می‌شود. طی ۱۰ سال اخیر، به دلیل اجرای پروژه مجد در این محله با هدف نوسازی، بافت آن دچار تغییرات وسیع کالبدی شده است. این تغییرات بر فضای ذهنی حاکم بر

محله تأثیر گذاشته و تأثیر مهمی در انسجام درونی آن داشته است. نتایج این بررسی نشان داد که اجرای تغییرات کالبدی، مطابق با ذهنیت ساکنان محله نیست، به گونه‌ای که ذهنیت آنها را نسبت به ویژگی‌های امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و شرایط بهداشتی و سلامت محله تنزل و در نهایت، تمایل به ماندگاری در محل را کاهش داده است. با اینکه هدف پروژه نوسازی بافت کالبدی بوده است؛ اما به دلیل انطباق‌نداشتن تغییرات رخ داده با فضای ذهنی ساکنان، نبود انسجام درونی محله را به همراه داشته است. این بیانگر آن است که در نوسازی محله، تنها بافت کالبدی آن مدنظر بوده و ابعاد ذهنی حاکم بر آن مورد توجه واقع نشده است. فرسودگی بافت محله با اینکه نقطه‌ضعفی برای آن محسوب می‌شده است؛ اما میانگین بیش از ۳۰ سال سکونت در محله، خود بیانگر آن است که از نظر ساکنان، محله تنها یک بافت کالبدی محسوب نمی‌شود؛ بلکه آرامش خاطر ناشی از انطباق شرایط آن، با فضای ذهنی ساکنان، نقطه اتکایی جهت تمایل به ماندن در محله بوده است. با توجه به ارتباط ساحت‌های کالبدی و ذهنی با ساحت معنوی در فضای شهر اسلامی، در حال حاضر، با اینکه بافت کالبدی محله عامل در بخش‌هایی از آن اصلاح شده است؛ اما انطباق‌نداشتن با شرایط ذهنی ساکنان، امکان شکوفایی فضای معنوی آن را نیز فراهم نمی‌کند.

البته این رویه در اکثر پروژه‌های نوسازی بافت‌های فرسوده در شهر مشهد قابل مشاهده است، به گونه‌ای که پس از اجرای این طرح‌ها، میزان تمایل ساکنان اصلی به ماندن در محله و انسجام درونی آن کاهش یافته است. در این زمینه، محله سرشور نمونه مناسب دیگری است که نوسازی بافت آن همراه با خروج جمعیت و برهم خوردن انسجام اجتماعی محله بوده است.



در مجموع، به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، تغییرات کالبدی در بافت‌های شهری نقش چندانی در ارتقای کیفیت زندگی نداشته است و با آرمان اجتماع شهری مدّ نظر تعالیم اسلامی همخوانی ندارد. از این‌رو، تغییر در نگرش‌های نوسازی به بافت‌های فرسوده، امری ضروری به شمار می‌آید. در این خصوص اولین اقدام، یافتن حلقه‌های ارتباط مبنایی دینی و فلسفی اسلامی با نظریه‌ها و تئوری‌های برنامه‌ریزی شهری است تا در چارچوب آن، زمینه خلق فضای شهری مناسب جهت زیست اسلامی و الهی فراهم شود.

### کتاب‌نامه

۱. قران کریم.
۲. آبادی، م. (۱۳۸۷). بررسی رابطه ذاتی روح و کالبد در نظام توسعه پایدار محلی از دیدگاه اسلام. مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله‌ای، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. صص ۱۸-۱۶.
۳. ابراهیم‌زاده آملی، ع. (۱۳۸۶). انسان در نگاه اسلام و اومانیسم. نشریه قیاسات تابستان. شماره ۴۴. صص ۷۰-۵۱.
۴. ابراهیمی، ن. (۱۳۸۹). از جهانی‌شدن تا شهر اسلامی. فصل‌نامه پنجره. شماره ۸. صص ۵۵-۵۲.
۵. اخوت، ه. (۱۳۸۸). معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی. تهران: انتشارات هله/ طحان.
۶. امیدی، م. (۱۳۸۸). منابع معرفتی فلسفه سیاسی اسلامی از منظر فیلسوفان اسلامی. مجله معرفت. سال ۱۸. شماره ۱۴۵. دی‌ماه. صص ۴۰-۱۳.
۷. اهری، ز. (۱۳۸۰). مکتب اصفهان در شهرسازی زبان‌شناسی عناصر و فضاها شهری. تهران: دانشگاه هنر.
۸. برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد. (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی شهرهای پایدار. ترجمه: مجیدی فرد، احسان. مشهد: انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
۹. بهشتی، س. م. (۱۳۷۸). نسبت ظاهر و باطن در معماری ایرانی. مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. ارگ بم کرمان: سازمان میراث فرهنگی کشور. صص ۳۶۱-۳۵۷.
۱۰. بیکن، ا. (۱۳۸۶). طراحی شهرها (تحول شکل شهر از آتن باستانی تا برازیلیایی مدرن). فرزانه. طاهری، مترجم. چاپ دوم. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۱. پاپلی یزدی، م. (۱۳۸۳). نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. پارسی، ح. (۱۳۸۱). شناخت محتوای فضای شهری. مجله هنرهای زیبا دانشگاه تهران. شماره ۱۱. تابستان. صص ۴۹-۴۱.
۱۳. پاکزاد، ج. (۱۳۹۰). تاریخ شهر از آغاز تا انقلاب صنعتی و شهرنشینی در اروپا. تهران: انتشارات آرمان شهر.
۱۴. پاکزاد، ج. (۱۳۸۶). سیراندیشه‌ها در شهرسازی (۱) از آرمان تا واقعیت. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۵. تقه الاسلامی، ع. ا. و امین‌زاده، ب. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به‌کاررفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی. هویت شهر. شماره سیزدهم. سال هفتم. بهار. صص ۴۵-۳۳.
۱۶. رهنما، م. (۱۳۸۷). اثرات اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی مرکز شهر مشهد بر محله پایین. نشریه جغرافیا و توسعه. شماره ۱۱. بهار و تابستان. صص ۱۸۰-۱۵۷.
۱۷. رهنما، م. (۱۳۷۵). بافت قدیم و توسعه شهری. نمونه بافت‌های مسکونی مرکز شهر مشهد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۸. رهنما، م. (۱۳۷۶). حسینیه‌ها در بافت تاریخی مشهد. مجله مشکات. شماره ۵۶ و ۵۷. صص ۱۵۵-۱۴۸.

۱۹. زرآبادی، س. (۱۳۸۹). محله سرشور کارکردی نو در کالبدی فرسوده (الگوی هدایتگر اقتصادی شیوه نوین در برخورد با بافت فرسوده شهری). اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، وزارت مسکن و شهرسازی ۲۰ و ۲۱ آذرماه. مشهد.
۲۰. زیاری، ک. ا. (۱۳۸۲). تأثیر فرهنگ در ساخت شهر. *مجله جغرافیا و توسعه شماره ۲*. پاییز و زمستان. صص ۹۵=۱۰۹.
۲۱. سادات حسینی، ز. (۱۳۹۲). شهر از منظر هویت اسلامی (با تأکید بر هویت مسجد در شهر اسلامی). *مجله پیام مهندس*. سال دوازدهم. شماره ۵۱. صص ۲۸-۲۴.
۲۲. شرکت عمران مسکن‌سازان منطقه شرق. (۱۳۹۳). *مجد-دیروز-امروز-فردا*. مشهد.
۲۳. صالحی، ه. (۱۳۸۵). *نهج الفصاحه: سخنان گهربار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم*. ترجمه ابراهیم احمدیان. قم: گلستان ادب.
۲۴. صدیق سروستانی، ر. ا؛ نیمروزی، ن. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محله‌های شهر مشهد. *فصل‌نامه دانش انتظامی*. سال دوازدهم. شماره دوم. صص ۲۲۰-۱۸۵.
۲۵. عبدالمهی، م. (۱۳۸۹). بررسی مفهوم نظری محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های ایران. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی دانشگاه تهران*. شماره ۷۲. تابستان. صص ۱۰۲-۸۳.
۲۶. غمامی، م. (۱۳۷۲). طرح جامع مشهد. *فصل‌نامه آبادی*. سال سوم. شماره ۹. صص ۷۱-۷۰.
۲۷. قرائی، ف. (۱۳۸۷). نقش خصوصیات کالبدی در افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد حس جامعه محلی (با توجه به مطالعه میدانی در دو محله شهر تهران). *مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله‌ای، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران*. صص ۷۷-۷۶.
۲۸. لئوناردو و بنه و لو. (۱۳۶۹). *تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی)*. (پروانه. موحده، مترجم) تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۹. لینچ، ک. (۱۳۸۱). *تئوری شکل شهر*. (سید حسین. بحرینی، مترجم) تهران: دانشگاه تهران.
۳۰. محمودی نژاد، ه. (۱۳۸۷). پدیدارشناسی محیط شهری: تأملی در ارتقای فضا به مکان شهری. *علوم و تکنولوژی محیط زیست*. دوره دهم. شماره ۴. ویژه‌نامه زمستان. صص ۲۹۷-۲۸۲.
۳۱. مجلسی، م. (۱۳۸۵). *بهارالانوار: الجامعه الدرر اخبار الائمه الاطهار*. بیروت: الوفاء.
۳۲. مدقالچی، ل؛ (۱۳۹۳). روح مکان در باغ ایرانی. *نشریه باغ نظر*. سال یازدهم. شماره ۲۸. بهار. صص ۳۸-۲۵.
۳۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی*.
۳۴. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی*.
۳۵. معظمی، م. (۱۳۹۰). تلقی استاد از فضا و تأثیر آن بر آموزش معماری. *نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*. شماره ۴۸. زمستان. صص ۶۸-۵۷.
۳۶. ممفورد، ل. (۱۳۸۷). *شهر در بستر تاریخ*. (احمد عظیمی بلوریان، مترجم). چاپ دوم. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۳۷. منتظرالقائم، ا؛ امینی، ر. (۱۳۸۸). تحلیل و بررسی موقعیت مدنی شهر واسط تا قرن سوم هجری. *فصل‌نامه تاریخ اسلام*. سال دهم. شماره ۴. شماره مسلسل ۴. زمستان. صص ۲۷-۱.
۳۸. موسوی، ی. (۱۳۹۱). محله نوین الگوی جامعه‌شناسی شهری از توسعه محله‌ای. *مجله منظر*. شماره ۱۸. بهار. صص ۷۲-۶۷.
۳۹. مهندسین مشاور فرهنگ. (۱۳۸۶). *چشم‌انداز و الگوی عمومی توسعه و عمران کلان‌شهر مشهد مقدس*. مشهد: سازمان مسکن و شهرسازی خراسان رضوی.



۴۰. میتاقیان، غ. (۱۳۹۲). *جمال صورت و معنی گفتارهایی در باب مفاهیم پایه شهر و معماری ایرانی*. تهران: انتشارات آرمان شهر.
۴۱. نقره کار، ع. (۱۳۹۱). *باید تعریفی ایرانی - اسلامی از معماری ارائه دهیم*. نشریه پنجره. سال چهارم. شماره سیزدهم. بهار. صص ۱۲۰-۱۲۳.
۴۲. نقی زاده، م. (۱۳۹۲). *تأملاتی در مبادی شهر اسلامی*. کتاب ماه هنر. شماره ۱۷۸. تیر. صص ۱۵-۴.
۴۳. نقی زاده، م. (۱۳۸۹). *تحلیل و طراحی فضای شهری*. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.
۴۴. نقی زاده، م. (۱۳۸۹). *تفکر توحیدی و سازمان فضایی شهر در تمدن اسلامی*. کتاب ماه هنر شماره ۱۴۴. شهریور. صص ۷۹-۶۶.
۴۵. نقی زاده، م. (۱۳۸۷). *شهر و معماری اسلامی عینیات و تجلیات*. چاپ اول. اصفهان: انتشارات مانی.
۴۶. نوذری، ح. (۱۳۷۹). *صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته*. تهران: انتشارات نقش جهان.
۴۷. هیدن ابو، ج. (۱۳۸۳). *جهان کوچک خانواده پیرامون حیاط*. شهر نشینی در اسلام. ج ۲. تهران: مرکز مطالعات فرهنگی خاور میانه‌ای توکیو.
۴۸. یوسفی، ع. (۱۳۸۸). *انسجام در شبکه‌های همسایگی مشهد*. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره دهم. شماره یک. بهار. صص ۱۶۱-۱۳۸.
49. Majlesi, M. (2006). Beharalanvar. Beirut: Alvafa.
50. Abdullah Ebne Saleh, M. (1998). The Impact of Islamic and Customary Laws on Urban Form Development in Southwestern Saudi Arabia. *Habit*, 22(4), 537-556.
51. Besteliu, I., & Doevendans, K. (2002). Planning, design and the postmodernity of cities. *Design Studies*, 23, 233-244.
52. Botwina, R., & Botwina, J. (2012). Looking for meaning in architecture: Getting closer to landscape semantics studies in logic. *Grammar and Rhetoric*, 28(41), 221-231.
53. Cristian, M. (2009). The city image and the local public administration: A working tool in urban planning. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, 27, 172-188.
54. Daylight, R. (2008). The language of postmodern space. *Philament Habits & Habitat*, 2, 1-21.
55. Eugen Ratiu, D. (2013). Creative cities and/or sustainable cities: Discourses and practices. *City, Culture and Society*, 30, 1-11.
56. Falahat, S. (2014). Context-based conceptions in urban morphology: Hezar-Too, an original urban logic. *Cities*, 36, 50-57.
57. Hakim, B. S. (1998). Urban form in traditional Islamic cultures: Further studies needed for formulating theory. *Cities*, 16(1), 51-55.
58. Jacob, A. B. M., & Hellstrom, T. (2010). Public-space planning in four Nordic cities: Symbolic values in tension. *Geoforum*, 41, 657-665.
59. Kellner, D. (2003). *Cultural studies, identity and politics between the modern and the postmodern*. London and New York: Routledge.
60. Kelly, A. (2008). *Building legible cities*. Bristol: Bristol Cultural Development Partnership.
61. Luque, M. (2007). Modeling a city's image: The case of Granada. *Cities*, 24(5), 335-352.
62. Omer, S. (2007). Integrating the Islamic worldview into the planning of neighborhoods. *Construction in Developing Countries*, 12(2), 63-80.
63. Shinde, K. A. (2012). Place-making and environmental change in a Hindu Pilgrimage Site in India. *Geoforum*, 43, 116-127.
64. Tveter, O. (2009). *Anarchist urban planning and place theory*. London: Green and Marc Scholes.
65. Yildiz, Ş. (2011). What makes a city Islamic? *Business and Social Science*, 2(8), 199-201.